



## تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

خسرو مرادی شهدادی<sup>۱</sup> | راحله سلمان زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه سرمایه گذاران نهادی نقش مهم و تأثیرگذاری بر عملکرد و اهداف شرکت ها ایفا می کنند. از طرفی ممکن است انگیزه هایی برای نظارت فعال بر مدیریت داشته باشند؛ بنابراین، سهام داران بزرگ قدرت زیادی برای کنترل رفتار مدیریت و جلوگیری از قربانی شدن خود در مسئله نمایندگی برخوردارند. با توجه به اهمیت این مسئله پژوهش حاضر باهدف تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ با تعداد مشاهدات ۵۲۵ مورد آزمون قرار گرفته است. روش پژوهش از نوع همبستگی بر اساس رگرسیون و مبتنی بر داده های پنل می باشد. در همین راستا جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل داده اند که به روش حذف سیستماتیک ۱۰۵ شرکت انتخاب شد. نتایج این پژوهش در خصوص فرضیه اول نشان می دهد که مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین تجزیه و تحلیل در خصوص فرضیه دوم نشان داد که مالکیت نهادی بر محافظه کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

کلیدواژه ها: مالکیت نهادی، اجتناب از مالیات، محافظه کاری حسابداری، اقلام تعهدی

DOR: 20.1001.1.27171809.1403.5.1.6.3

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت مالی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

Khosro.moradi@iau.ac.ir

۲. دانش آموخته حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

## مقدمه

امروزه با پیشرفت بازار سرمایه در کشورها، سرمایه‌گذاران نهادی به منابع مالی مهم در سراسر جهان تبدیل شده‌اند. طبق اعلام صندوق بین‌المللی پول، کل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سهام توسط سرمایه‌گذاران نهادی در سراسر جهان از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ بیش از هفت برابر افزایش یافته است (حسن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). ادبیات مالیاتی نشان می‌دهد که فعالیت‌های جلوگیری از مالیات با عدم تقارن اطلاعات و رفتار فرصت طلب مدیریتی همراه است. به عنوان مثال، بالاکریشنان<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که اجتناب از مالیات باعث افزایش پیچیدگی مالی و سازمانی می‌شود، علاوه بر این، مدیران به احتمال زیاد معاملات اجتناب از مالیات را پنهان می‌کنند و گزارش‌های مالی نادرستی را برای جلوگیری از حسابرسی توسط مقامات مالیاتی ارائه می‌دهند (کیم و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۹). در پژوهش حسن و همکاران (۲۰۲۲) به این نکته اشاره شده است در صورتی که سرمایه‌گذاران نهادی درگیر مالیات بیشتری شوند، با هزینه‌های بالاتری روبرو می‌شوند. شفافیت و به موقع بودن اطلاعات حسابداری به دلیل افزایش جهانی شدن و بین‌المللی شدن در بازارهای سرمایه در گزارشگری مالی اهمیت بیشتری یافته است. یکی از زمینه‌های متمایز که بر این اصول حسابداری تأثیر می‌گذارد، ایده محافظه‌کاری در حسابداری است. محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های اصلی گزارشگری مالی است و برای مدت طولانی در تئوری و عمل حسابداری گنجانده شده است. در تعریفی از سعاد و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) چنین بیان شده که محافظه‌کاری در حسابداری تمایلی است که حسابداران هنگام مواجهه با عدم قطعیت در معاملات اقتصادی، برآوردهای کمتری را برای ارزش‌داری‌ها و درآمدها، اما برآوردهای بالاتر برای ارزش‌بدهی‌ها و هزینه‌ها را انتخاب می‌کنند. اما سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که آیا سرمایه‌گذاران نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر گذارند؟ همان‌طور که اشاره شد محافظه‌کاری بدین معناست که حسابداران، هنگامی که با شرایط اقتصادی نامطمئن در معاملات مالی مواجه می‌شوند، مقادیر کمتری را برای ارزش‌داری‌ها و درآمدها پیش‌بینی کنند، اما پیش‌بینی‌های بیش‌تری را برای

1. Hasan, I., Kim, I., Teng, H., & Wu, Q
2. Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R
3. Kim, J. B., Li, Y., & Zhang, L
4. Sa'ad, H. N., Abubakar, Z., & Salaii, S

مقادیر بدهی ها و هزینه ها در نظر می گیرند. هدف جلوگیری از اغراق درآمدها در گزارشگری مالی و کم‌نمایی هزینه‌ها و زیان‌ها است. محافظه‌کاری را می‌توان به راحتی با اصل تحقق مرتبط دانست، زیرا تشویق می‌کند که درآمد قبل از تحقق واقعی آن شناسایی نشود. این اصل همان‌طور که توسط تنظیم‌کنندگان استانداردهای حسابداری دیده می‌شود، مفهومی است که بر اساس آن حسابداران در شناسایی معاملاتی که تحت تأثیر عدم قطعیت اقتصادی قرار گرفته، احتیاط معقولی را به کار می‌گیرند. محققین حسابداری مدرن توافق دارند که محافظه‌کاری تأثیری بر تسریع در شناسایی زیان و اعلام سود دارد (آسیروا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). این به معنای ضعف منطق محتاطانه در پشت محافظه‌کاری نیست، زیرا به نظر می‌رسد به سادگی شناسایی درآمدها را به تعویق می‌اندازد، اما این کار فقط به منظور تأیید تحقق آمدها قبل از گزارش آن‌ها می‌باشد. دلیل تشویق محافظه‌کاری حساب‌ها تأیید بیشتر صحت درآمدهای گزارش شده در صورت‌های مالی و از بین بردن تهدید درآمدهای نادرست است که ممکن است محقق شده باشند اما هرگز دریافت نشده‌اند و بنابراین هیچ سود مالی برای کسب و کار مورد نظر ندارند. محافظه‌کاری در حسابداری را می‌توان به عنوان روشی که توسط شرکت‌ها بمنظور کاهش ریسک گزارشگری حسابداری که از رویدادهایی مانند قراردادهای شرکتی و اجرای تصمیمات ضعیف ناشی می‌شود، استفاده نمود. هدف محافظه‌کاری، از طریق شناسایی زود هنگام زیان‌ها در گزارشگری مالی منجر به سود آوری سرمایه‌گذاری یک کسب و کار می‌شود. این فرض نشان می‌دهد محافظه‌کاری در حسابداری تأثیرات مثبتی را بر موفقیت تصمیمات اتخاذ شده بر اساس اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد. نظریه نظارت فعال فرض می‌کند که سهامداران نهادی تمایل زیادی به مشارکت در نظارت بر مدیریت شرکت‌ها دارند و اغلب طولانی‌مدت است، لذا این نظارت منجر به افزایش ارزش شرکت و کیفیت داده‌های حسابداری به نفع سایر سهامداران و سهامداران عمومی می‌شود (آسیروا و همکاران، ۲۰۱۹). از طرفی به این نکته باید اشاره کرد که اجتناب مالیاتی به منظور منافع شرکت انجام می‌شود و میزان در آمد حاصل از فروش سال آینده در صورت‌های مالی سال بعد شناسایی می‌شود لذا به میزان فروش سال جاری میزان مالیات تعلق می‌گیرد. بنابراین شرکت‌ها می‌توانند از اجتناب مالیات جهت منافع شرکت استفاده نمایند. با توجه به اینکه پژوهش‌های زیادی در خصوص

1. Asiriwa, O., Akperi, R. T., Uwuigbe, O. R., Uwuigbe, U., Nassar, L., Ilogho, S., & Eriabe, S

مالکیت نهادی انجام شده است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات در خصوص تأثیر مالکان نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری در حسابداری بسیار اندک است لذا انجام پژوهش حائز اهمیت بوده و می‌تواند به توسعه ادبیات پژوهش کمک نماید. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر مالکان نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری در حسابداری انجام شده است.

## مبانی نظری پژوهش

### سرمایه‌گذاران نهادی و اجتناب از مالیات

مالیات بر درآمد شرکت هزینه قابل توجهی را برای سهام‌داران به همراه دارد. باین حال اجتناب از مالیات، به‌عنوان کاهش مالیات‌های صریح تعریف شده است (هانلون و هیتسمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یا کاهش مالیات‌های صریح، می‌تواند نتیجه طیفی از فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های معاف از مالیات مانند برخی از اوراق مانند اوراق قرضه شهرداری باشد (خان و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). اجتناب از مالیات شرکتی برای گروه‌های مختلف مورد توجه است، اما درک عوامل تعیین‌کننده آن، بر خلاف آنچه برای اجتناب مالیاتی فردی وجود دارد، هنوز در حال تکامل است و محققان مالیاتی را بر آن داشته است تا تحقیقات بیشتری را انجام دهند (شکل‌فورد و شولین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ هانلون و هیتسمن، ۲۰۱۰). مطالعات قبلی نشان می‌دهد که ساختارهای مختلف مالکیت بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال، خورانا و موزر<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی در طولانی‌مدت، اجتناب از مالیات شرکت‌ها را کاهش می‌دهند؛ زیرا چنین فعالیت‌هایی، فرصت‌طلبی مدیریتی را ترغیب می‌کند و شفافیت را کاهش می‌دهد. بوشی<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) سرمایه‌گذاران نهادی را از نظر افق و تنوع طبقه‌بندی نمودند. ۱- سرمایه‌گذاران نهادی گذرا: افق کوتاهی دارند، مرتباً تجارت می‌کنند و متنوع‌اند. ۲- سرمایه‌گذاران اختصاصی: افق‌های طولانی و دارایی‌های متمرکز دارند. ۳- سرمایه‌گذاران متعهد:

1. Hanlon, M., and S. Heitzman  
2. Khan, M., Srinivasan, S., & Tan, L  
3. Shackelford, D., and T. Shevlin  
4. Khurana, I. K., & Moser, W. J  
5. Bushee, B

انگیزه و توانایی نظارت و حمایت دارند. از بین این سه نوع سرمایه گذار نهادی، سرمایه گذاران گذرا تلاش کمتری دارند (بون و وایت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). از سوی دیگر سرمایه گذاران اختصاصی، وظیفه امانت داری برای حفظ ارزش سهام داران و اهرمی برای تأثیرگذاری بر اقدامات مدیریتی دارند (مونکس و مینو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). چن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) ارتباط منفی بین بنگاه های خانوادگی و اجتناب از مالیات مشخص کردند. آن ها این ارتباط منفی را به بازدارندگی تخفیف های احتمالی قیمت سهام توسط سهام داران خارجی نسبت می دهند. علاوه بر این، چنگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) نشان می دهد که فعالان صندوق، شرکت هایی را با سطح پایین تر از اجتناب مالیاتی هدف قرار می دهند و مدیران تلاش را برای افزایش اجتناب از مالیات تحت فشار هستند. به طور خلاصه، این مطالعات نشان می دهد که گروه های مختلف سرمایه گذاران نهادی مشوق های مختلفی دارند و بنابراین تأثیر آن ها بر اجتناب از مالیات شرکت ها متفاوت است (حسن و همکاران، ۲۰۲۲).

### سرمایه گذاران نهادی و محافظه کاری

تأثیر مسئله نمایندگی بر محافظه کاری حول این ایده پرداخته می شود که مدیران، به عنوان اداره کنندگان شرکت، صرفاً به انگیزه های شخصی برای محافظه کاری در گزارش دهی و سرمایه گذاری هایشان در شرکت ختم نمی شود. گزارش سود بیشتر به این معنی است که آن ها کار بهتری انجام داده اند، بنابراین اعمال محافظه کاری در به تأخیر انداختن شناسایی سود به ضرر آن ها خواهد بود. همچنین تفاوت در درجه محافظه کاری اعمال شده در گزارشگری در همان مناطق نشان می دهد که سطح محافظه کاری اعمال شده مربوط به شرکت خاصی نیست، بلکه وابسته به اهداف داخلی گزارشگری مالی است که توسط هر سازمان ممکن است صورت گیرد (آسیروا و همکاران، ۲۰۱۹). شواهد تجربی در مورد تأثیر مالکیت مدیران بر محافظه کاری حسابداری نظرات مخالفی به طور حتم وجود ندارد. اصل مشکل نمایندگی در این واقعیت نهفته است که مدیران به خاطر منافع خود که از منافع ذی نفعان جدا است، ممکن است تصمیمات حسابداری را اتخاذ کنند تا مالکیت شرکت را فریب دهند تا با پنهان کردن وضعیت واقعی عملکرد اقتصادی شرکت،

1. Boone, A., and J. White

2. Monks, R., and N. Minnow

3. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T

4. Cheng, C. S. A., Huang, H., Li, Y., & Stanfield, J

به نفع آنان باشد (لارا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). بسته به میزان محدودیت مدیران در دستکاری ارقام تعهدی، آن‌ها ممکن است به انجام چنین تعدیلات متقابلانه‌ای در حوزه مدیریت سود واقعی متوسل شوند که ممکن است حتی برای آن‌ها سودمندتر باشد (گراهام و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). مدیریت سود علاوه بر پنهان کردن عملکرد واقعی شرکت، الگوهای واقعی را در عملکرد واقعی شرکت از نظر درآمد و رشد سود پنهان می‌کند که به نوبه خود این تصور را ایجاد می‌کند که سهام‌داران و عموم می‌توانند پیشرفت‌هایی را در رشد کسب و کار پیش‌بینی کنند (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). سرمایه‌گذاران خارجی تمایل دارند به سمت شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاری بالا و اطلاعات فراوان که اغلب با سطوح پایین عدم تقارن اطلاعات مرتبط هستند، جذب شوند (لافوند و واتس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). علاوه بر این، آن‌ها انگیزه‌ها، تجربه و مجموعه مهارت‌های قوی‌تری برای تجزیه و تحلیل مستقل شرکت‌ها دارند، و این افزایش توانایی‌های نظارتی به نوبه خود بر تقاضای آن‌ها برای صحت اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود آن‌ها به محافظه‌کاری بیشتر به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به آن روی آورند.

سهام‌داران نهادی، سرمایه‌گذاران عمده و صاحبان بخش دیگری از سهام شرکت‌اند که از طریق ارتباط مستقیم با مدیران می‌توانند به اطلاعات ارزشمند داخلی در مورد چشم‌انداز آینده شرکت، استراتژی‌های تجاری دسترسی داشته باشند. استفاده از توانایی‌های سرمایه‌گذاران نهادی برای نظارت بر مدیریت و عملکرد شرکت، میزان سرمایه‌گذاری آن‌ها را به دنبال دارد. هر چه سطح مالکیت نهادی بالاتر باشد، مدیریت بهتری دارد که یک ارتباط مستقیم است (باتقوا و گرکز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). از لحاظ نظری، سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است انگیزه‌هایی برای نظارت فعال بر مدیریت داشته باشند؛ بنابراین، سهام‌داران بزرگ از قدرت زیادی برای کنترل رفتار مدیریت و جلوگیری از قربانی شدن خود در مسئله نمایندگی برخوردارند (یو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است انگیزه‌هایی برای نظارت بر گزارشگری مالی داشته باشند. صورت‌های مالی، به‌ویژه صورت‌های سود و زیان، منبع مهمی در مورد اطلاعات شرکت هستند. شواهد تجربی نشان می‌دهد

1. Lara, J. M. G., Osmá, B. G., & Penalva, F
2. Graham, J.R., Harvey, C.R., & Rajgopal, S
3. LaFond, R., & Watts, R. L
4. Bataghva, H., & Garkaz, M
5. Yu, K

که حضور سرمایه گذاران نهادی با واکنش بازار به توزیع سود سهام رابطه مثبت دارد (جونگ و کتون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). سرمایه گذاران نهادی به بهترین وجه مجهز به مهارت‌ها، دانش و همه منابع هستند تا به طور کارآمد و مؤثر بر فعالیت‌های مدیریت در شرکتی که در آن سرمایه گذاری کرده‌اند نظارت و کنترل کنند؛ بنابراین، امکان مخالفت سهام‌داران با مدیران وجود دارد و می‌توانند مانع از دستکاری آن‌ها در سود شوند که به بهترین وجه مطابق با منافع آن‌ها باشد. علی‌رغم همه اینها، دخالت شدید سرمایه گذاران نهادی در امور یک شرکت پرهزینه است و فقط در درازمدت ثمره خود را در جنبه محافظه‌کاری نشان می‌دهد، بنابراین همه سرمایه گذاران نهادی خود را درگیر حاکمیت شرکتی نمی‌کنند (لین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). محافظه‌کاری بدون قید و شرط به وقوع حقایق خاصی بستگی ندارد، بلکه به توانایی و درستی مدیریت در انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه کارانه وابسته است که این امر ممکن است از عوامل مالیاتی یا سیاسی یا عوامل مرتبط با منافع خودمدیریتی نشئت بگیرد (رشیدی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). نمونه‌هایی از این نوع: هزینه‌های تحقیق و توسعه یا به تعویق انداختن شناسایی درآمد (پوپ و ویلکر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و هزینه‌های دارایی‌های نامشهود است (لارا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). با این حال، محافظه‌کاری مشروط بر رویدادهای قابل پیش‌بینی متکی است و در مقایسه با اخبار خوب، سطح پایین‌تری از تأیید اخبار بد را انتظار دارد. این امر منجر به شناسایی اخبار بد به موقع در مقایسه با تشخیص اخبار خوب می‌شود (آرمسترانگ و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). این نوع برای افزایش کارایی قراردادها یا الزامات حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود (بال و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). همچنین، قرارداد بدهی حیاتی‌ترین منبع محافظه‌کاری مشروط است (واتس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). توضیحات زیادی به نفع وجود محافظه‌کاری ارائه شده است و همه نشان می‌دهد که محافظه‌کاری به اطلاعات مالی در دسترس کاربران کمک می‌کند. اولاً، توضیح قرارداد، مانند قراردادهای تشویقی و بدهی،

1. Jung, K., & Kwon, S. Y
2. Lin, F., Wu, C. M., Fang, T. Y., & Wun, J. C
3. Rashidi, M.M.S
4. Pope, F.P., Wailker, M
5. Lara, J.M.G., Osmá, B.G., Penalva, F
6. Armstrong, C.S., Core, J.E., Guay, W.R
7. Ball, R., Kothari, S., Robin, A
8. Watts, R.L
9. Ball, R., Shivakumar, L

قراردادهای مهمی هستند که توسط مدیریت اجرا می‌شوند (ابوالخیر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). علاوه بر این، قراردادهای منبع اصلی محافظه‌کاری حسابداری هستند که توسط سهام‌داران و دارندگان بدهی برای افزایش گزارشگری مالی محافظه‌کارانه و کاهش هزینه‌های نمایندگی به‌منظور هماهنگ کردن انتظارات مدیریتی با سهام‌داران مورد استفاده قرار می‌گیرد (واتس، ۲۰۰۳). با این حال، مدیریت به‌عنوان یک عنصر اصلی در فرایند قرارداد، همواره سعی می‌کند از سیاست‌های محافظه‌کاری چشم‌پوشی کند تا با پنهان کردن اطلاعات نامطلوب، ارقام حسابداری این قراردادها را تحت تأثیر قرار دهد. استفاده از اطلاعات برای نقض قراردادهای بدهی؛ دریافت غرامت اضافی؛ و برای اغراق کردن ارقام مالی (لافوند و واتس، ۲۰۰۸). شرکت‌ها، محافظه‌کاری در حسابداری را انتخاب می‌کنند تا در صورت مواجهه با ریسک‌های بالای ناشی از دعاوی، سود را کاهش دهند (واتس، ۲۰۰۳؛ اقبال و القدا،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴). از طرفی مالیات نیز تأثیراتی را بر رویه‌های حسابداری اعمال می‌کند، زیرا مالیات‌های تحمیلی بر شرکت‌ها بر اساس سود حسابداری و شناسایی نامتقارن سود و زیان ناشی از محافظه‌کاری، در گزارشگری مالی است. شرکت‌ها، می‌توانند مالیات خود را با کاهش درآمدهای خود با استفاده از محافظه‌کاری در حسابداری کاهش داده یا به تعویق بیندازند (الکردی و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۱۷؛ واتس، ۲۰۰۳).

## پیشینه پژوهش

سعاد و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی محافظه‌کاری حسابداری و اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری تأثیر منفی و معنی‌داری بر نرخ مالیات مؤثر و تفاوت مالیات دفتری دارد. حسن و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی خارجی بر اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی خارجی اجتناب مالیاتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر خود را کاهش می‌دهند. عارذیله و هلمیم<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی، جبران زیان مالی و محافظه‌کاری حسابداری بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر مالکیت نهادی، جبران زیان مالی و

1. Abu Alkhair, M.T  
2. Iqbal, O., Al-Qdau, M  
3. Alkordi, A., Al-nimer, M. & Dabaghia, M.  
4. Ardillah, K., & Halim, Y



محافظه کاری حسابداری بر اجتناب مالیاتی است. روستیارینی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی ویژگی های هیئت مدیره، مالکیت نهادی و محافظه کاری حسابداری پرداختند. نتایج آزمون ثابت می کند که اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره محافظه کاری حسابداری را افزایش می دهد، درحالی که اعتماد بیش از حد هیئت مدیره محافظه کاری را کاهش می دهد. نتایج مطالعه همچنین نشان می دهد که مالکیت نهادی می تواند رابطه بین اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره را با محافظه کاری حسابداری تقویت کند. برعکس، مالکیت نهادی نتوانست رابطه بین اعتماد بیش از حد هیئت مدیره و محافظه کاری حسابداری را تعدیل کند. شائو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی تأثیر انطباق اجباری مسئولیت اجتماعی شرکت بر محافظه کاری حسابداری را مورد آزمون قرار دادند. نتایج بیانگر یک رابطه مثبت بین انطباق مسئولیت اجتماعی شرکت و محافظه کاری است و این رابطه برای شرکت هایی که حاکمیت قوی تری دارند مشخص گردید؛ و برای شرکت های با مالکیت خانوادگی ضعیف، گزارش گردید. همچنین نتایج نشان داد که محافظه کاری حسابداری دوره جاری رابطه منفی با مخارج مسئولیت اجتماعی شرکت دوره بعدی دارد. نتایج به طور کلی نشان می دهد که شرکت ها از سیاست های حسابداری و ارقام تعهدی منفی به طور استراتژیک برای کاهش هزینه های مسئولیت اجتماعی شرکت استفاده می کنند. اسیری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی میان ارتباط اجتناب مالیاتی شرکت ها و کارایی سرمایه گذاری پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط مثبتی بین فعالیت های اجتناب از مالیات شرکتی و ناکارآمدی سرمایه گذاری وجود دارد. آسیروا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی ساختارهای مالکیت و محافظه کاری حسابداری را مورد آزمون قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که بین مالکیت مدیریتی و محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت و ناچیز وجود دارد. همچنین بین مالکیت نهادی و محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت اما کم گزارش شد. با این حال، مالکیت خارجی یک رابطه منفی اما نه معنی دار را با محافظه کاری حسابداری نشان داد. الهامی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی تأثیر راهبری شرکتی، رقابت پذیری و محافظه کاری مدیریتی بر قیمت گذاری توزیع اطلاعات را مورد بررسی قرار دادند. نتایج در بخش کیفی از تأیید ۶ معیار سنجش نظام

1. Rustiarini, N. W., Gama, A. W. S., & Werastuti, D. N. S
2. Shaw, T. S., Raithatha, M., Krishnan, G. V., & Cordeiro, J. J.
3. Asiri, M., Al-Hadi, A., Taylor, G., & Duong, L

راهبری شرکتی؛ ۶ معیار سنجش محافظه‌کاری مدیریتی، ۶ معیار سنجش رقابت‌پذیری و ۶ معیار سنجش قیمت‌گذاری توزیع اطلاعات حکایت دارد. نتایج در بخش کمی نیز نشان داد، محیط اطلاعاتی که سرمایه‌گذاران در آن دادوستد می‌کنند، پیوسته با انتشار اطلاعات تغییر می‌یابد. از آنجایی که محافظه‌کاری احتمال تحصیل تأمین مالی را افزایش و هزینه بدهی را کاهش می‌دهد، در این میان نظریه اثباتی حسابداری فرض می‌کند که محافظه‌کاری حسابداری به واسطه شناخت دیرتر سود، موجب می‌شود تا سود کمتری به وسیله مدیران واحدهای تجاری شناسایی و تقسیم شود و همچنین، نسبت بدهی نیز کم نمایی نشود. پس بر این مبنای، محافظه‌کاری نسبت بدهی شرکت را بهبود می‌بخشد و نرخ اولیه پیشنهادی وام‌دهندگان را کاهش می‌دهد و این موضوع زمینه تأمین منابع مالی برای نوآوری و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهد. خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیلگر مالکیت نهادی و مدیریتی بر تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر ریزش قیمت سهام پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد محافظه‌کاری حسابداری بر ریسک ریزش قیمت سهام، تأثیر منفی و معنی دارد؛ مالکیت نهادی بر تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر ریسک ریزش قیمت سهام نقش تعدیلگر دارد؛ اما مالکیت مدیریتی بر تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر ریسک ریزش قیمت سهام نقش تعدیلگر ندارد. جلالی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تجربی پژوهش نشان داد که عدم اطمینان محیطی دارای تأثیر مستقیم و معناداری بر اجتناب مالیاتی و متغیر مالکیت نهادی دارای تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی است. دستگیر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز و مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی تأثیر مثبت و معناداری دارند و مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز بر محافظه‌کاری غیرشرطی تأثیر منفی و معناداری ندارند؛ اما مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری غیرشرطی تأثیر مثبت و معناداری دارد. اسدیان اوغانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی پرداختند. نتایج حاکی از آن است بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی رابطه معنادار و مستقیمی برقرار بوده و تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر رابطه بین اجتناب

مالیاتی و هزینه بدهی به لحاظ آماری تأیید نگردید. عباسزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت ها در مراحل چرخه عمر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت مدیره از مکانیزم های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با توجه به آزمون آماری پترونوستر یافت نشد. دارابی و برزگر (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب از مالیات بر رابطه بین مالکیت دولتی و محدودیت مالی شرکت ها پرداختند. نتیجه برآورد مدل های پژوهش با استفاده از داده های ترکیبی نشان داد که بین شرکت هایی با مالکیت دولتی نسبت به شرکت هایی بدون مالکیت دولتی با محدودیت مالی رابطه معناداری وجود ندارد. به علاوه بین متغیرهای تعاملی مالکیت دولتی با نرخ مؤثر هزینه مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات با محدودیت مالی رابطه ای یافت نشد.

## روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر باهدف تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است؛ لذا از نوع پس رویدادی و به لحاظ هدف، در دسته کاربردی قرار دارد. در خصوص سنجش متغیرهای پژوهش از صورت های مالی مندرج در سایت کدال و ره آورد استخراج و گردآوری و جهت ارتباط بین متغیرها از روش آماری رگرسیون مبتنی بر داده های پنل طی بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۱ استفاده شده است. شایان ذکر است بخش ادبیات این پژوهش برگرفته از مطالعات کتابخانه ای مورد بهره وری قرار گرفته، به طوری که مطالعات کتابخانه ای شامل مجلات تخصصی لاتین و فارسی پژوهش های کاربردی است. از طرفی جامعه آماری مورد بررسی پژوهش، متشکل از کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۷-۱۴۰۱ است که به سبب گستردگی جامعه آماری از روش حذف سیستماتیک، به منظور حجم نمونه استفاده شده است. شرایط حذف سیستماتیک بدین صورت اعمال شده است: کل شرکت های پذیرفته شده (۵۴۲): ۱- شرکت هایی که در طی قلمرو زمانی از بورس برون رفت داشته اند (۶۴ مورد). ۲- شرکت هایی که اطلاعات

ناقص داشته و یا دسترسی به آن امکان‌پذیر نبوده است (۱۳۲) حذف شده‌اند. ۳- مؤسسات مالی، بیمه و بانک‌ها، لیزینگ و هلدینگ (۶۷)؛ ۴- شرکت‌های زیان‌ده (۶۵)؛ ۵- شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی داشته یا در بازه زمانی موردنظر حضور نداشته است (۴۳). ۶- شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نمی‌باشد (۵۶). با توجه به اعمال شرایط فوق ۱۰۵ شرکت به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. از پیش‌آزمون مهم رگرسیون نرمال بودن متغیرهای وابسته است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه نرمال بودن متغیرهای وابسته در راستای تخمین مدل، از طریق چولگی و کشیدگی مورد بررسی واقع شده؛ به طوری که اگر مقادیر چولگی و کشیدگی بین صفر تا ۶ باشد، می‌توان گفت متغیر موردنظر از توزیع نرمال کافی برخوردار است. در غیر این صورت بایستی آن را نرمال‌سازی نمود. به‌منظور تخمین مدل‌های این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها، مدل رگرسیون را با بهره‌وری از داده‌های ترکیبی برای ۵ سال طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۱ و در مجموع ۵۲۵ مشاهده (سال - شرکت) مورد آزمون قرار گرفته است. جهت انجام کلیه آزمون‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز ۱۲ استفاده شده است.

جدول ۱. چگونگی انتخاب حجم نمونه

تعداد	عنوان
۵۴۲	کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
۶۷	کسر می‌شود: مؤسسات مالی، هلدینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها
۶۴	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که طی قلمرو زمانی برون‌رفت داشته‌اند.
۵۶	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که سال مالی آنها به ۲۹ اسفند ختم نمی‌شوند.
۶۵	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که در طی قلمرو زمانی زیان داشته‌اند.
۵۳	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی داشته یا در بازه زمانی حضور نداشته است.
۱۳۲	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که اطلاعات ناقص داشته و یا دسترسی به اطلاعات امکان‌پذیر نبوده است.
۱۰۵	تعداد شرکت‌های نمونه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## فرضیه های پژوهش

- ۱- مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری دارد.
- ۲- مالکیت نهادی بر محافظه کاری حسابداری تأثیر معناداری دارد.

## مدل پژوهش

مدل رگرسیونی فرضیه اول بر اساس پژوهش حسن و همکاران (۲۰۲۲) ارائه شده است:

$$TA = \alpha_0 + \beta_1 IO + \beta_2 II + \beta_3 Z + \beta_4 EEV + \beta_5 ROA + \beta_6 R\&D + \beta_7 Accr + \varepsilon_0$$

مدل رگرسیونی فرضیه دوم زیر بر اساس پژوهش آسیروا و همکاران (۲۰۱۹) ارائه شده است:

$$AC = \alpha_0 + \beta_1 IO + \beta_2 II + \beta_3 Z + \beta_4 EEV + \beta_5 ROA + \varepsilon_0$$

جدول ۲. سنجش متغیرهای پژوهش

متغیر	علامت اختصار	نوع متغیر	نحوه اندازه گیری متغیر
اجتناب از مالیات	TA	وابسته	از نرخ مؤثر مالیات به عنوان اجتناب از مالیات استفاده می شود. نرخ مؤثر مالیات از تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از کسر بهره و مالیات به دست می آید (حسن و همکاران، ۲۰۲۱).
محافظه کاری حسابداری	AC	وابسته	محافظه کاری را از طریق ارقام تعهدی (CONS_ACC) به عنوان درآمد کل قبل از ارقام فوق العاده به اضافه استهلاك منهای جریان نقدی عملیات تقسیم بر کل دارایی ها اندازه گیری می کنیم (به طور میانگین در دوره سه ساله با محوریت دوره جاری). (حیدر و سلطان، ۲۰۲۱)
مالکیت نهادی	IO	مستقل	درصدی از سهام یک شرکت سهامی است که متعلق به نهادها و شرکت های دولتی است (آسیروا و همکاران، ۲۰۱۹).
اندازه شرکت	SIZE	کنترلی	از لگاریتم طبیعی دارایی کل به دست می آید (آسیروا و همکاران، ۲۰۱۹).
اهرم مالی	LEV	کنترلی	از تقسیم بدهی کل بر دارایی کل به دست می آید (الکردی و همکاران، ۲۰۱۷).
بازده دارایی	ROA	کنترلی	از تقسیم سود خالص بر دارایی کل به دست می آید (حسن و

1. Hasan, M. M., Lobo, G. J., & Qiu, B
2. Haider, I., Singh, H., & Sultana, N

جدول ۲. سنجش متغیرهای پژوهش

متغیر	علامت اختصار	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری متغیر
			همکاران، ۲۰۲۲).
رشد شرکت	GROWTH	کنترلی	از تفاوت درآمد فروش سال قبل و سال جاری تقسیم بر درآمد سال قبل به دست می‌آید (کائو و همکاران، ۲۰۲۱).
هزینه تحقیق و توسعه	R&D	کنترلی	هزینه تحقیق و توسعه بر دارایی (حسن و همکاران، ۲۰۲۲). از بخش یادداشت‌های توضیحی مربوط به پیوست صورت مالی استخراج نموده و بر دارایی کل تقسیم می‌گردد.
اقلام تعهدی	Accrual	کنترلی	اقلام تعهدی = (سود عملیاتی - وجه نقد عملیاتی) تقسیم بر دارایی کل (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## یافته‌های پژوهش

### آماره توصیفی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که شرکت‌ها به طور میانگین ۰,۱۴ اجتناب از مالیات داشته‌اند و از طرفی میانگین محافظه‌کاری حسابداری ۰,۱۲ بوده است. این شرایط نشان می‌دهد که شوک‌های اقتصادی و نوسانات بازار سرمایه سبب شده که اغلب شرکت‌ها محافظه‌کاری حسابداری را اعمال نمایند. در خصوص مالکیت نهادی نیز به طور میانگین ۵۵,۴۹ گزارش شده که این مقدار نشان می‌دهد شرکت‌ها به طور متوسط تحت مالکیت شرکت‌های بزرگ است.

جدول ۳. آماره توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
اجتناب از مالیات	۰,۱۴	۰,۰۴	۸,۱۸	۰,۰۱	۰,۵۵
محافظه کاری حسابداری	۰,۱۲	۰,۰۸	۱,۴۱	۰,۰۳	۰,۱۵
مالکیت نهادی	۵۵,۴۹	۶۴,۲۵	۹۹,۹۳	۰,۰۰	۳۰,۴۸
اندازه شرکت	۱۴,۹۲	۱۴,۶۸	۲۰,۷۶	۱۱,۱۹	۱,۴۶
اهرم مالی	۰,۵۵	۰,۵۴	۴,۰۰	۰,۰۳	۰,۲۷
بازده دارایی	۰,۱۶	۰,۱۲	۱,۰۶	۰,۰۳	۰,۱۴
رشد شرکت	۰,۸۰	۰,۴۳	۵,۰۵	۰,۱۰	۳,۳۰
هزینه تحقیق و توسعه	۰,۰۰۱	۰	۰,۰۱	۰	۰,۰۰۱
اقلام تعهدی	۵,۳۵	۵,۲۹	۸,۳۱	۱,۹۲	۰,۹۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### آزمون نرمال بودن باقی مانده متغیرهای پژوهش

جدول ۴ نتایج نشان می‌دهد که مقادیر چولگی و کشیدگی متغیر اجتناب از مالیات بین صفر تا ۶ نمی‌باشد، لذا از توزیع نرمال کافی برخوردار نیست. هم چنین پس از نرمال سازی متغیر اجتناب از مالیات نتایج نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرهای اجتناب از مالیات، بین صفر تا ۶ می‌باشد، لذا نرمال است. دیگر متغیر پژوهش یعنی محافظه کاری حسابداری در آزمون اول مقادیر چولگی و کشیدگی بین صفر تا ۶ قرار داشت که از توزیع نرمال کافی برخوردار است.

جدول ۴. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نتیجه	کشیدگی	چولگی	متغیرها
نرمال نیست	۱۲۴,۵۰	۹,۹۶	اجتناب از مالیات
نرمال است	۳,۶۰	-۰,۰۱	محافظه کاری حسابداری
پس از نرمال سازی			
نرمال است.	۲,۰۹	-۰,۵۳	اجتناب از مالیات

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون فرضیه اول: مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری دارد.

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: اجتناب از مالیات					
عنوان متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری	نتیجه
جزء ثابت	۰,۲۳	۰,۰۴۶	۴,۹۸	۰,۰۰	
مالکیت نهادی	۴,۵۹	۱,۲۵	۳,۶۶	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
اندازه شرکت	۰,۲۴	۰,۰۳۲	۷,۵۳	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
اهرم مالی	۰,۰۴	۰,۰۱۱	۳,۵۹	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
بازده دارایی	۰,۲۹	۰,۰۷۷	۳,۸۲	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
رشد شرکت	۰,۱۴	۰,۰۰۸	۱۷,۰۰	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
هزینه تحقیق و توسعه	۳۶,۹۹	۲۸,۶۸	۱,۲۸	۰,۱۹	بی‌معنی - عدم ارتباط
اقدام تعهدی	۰,۲۷	۰,۰۷۹	۳,۴۵	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
ضریب تعیین: ۰,۸۱	دوربین واتسون: ۲,۴۰		آماره F: ۷۱,۰۱		سطح اهمیت مدل: ۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

باتوجه به جدول ۵ مشخص می‌شود کل مدل با توجه به اینکه مقدار سطح اهمیت مدل برابر  $(0,00)$  و کمتر از  $(0,05)$  می‌باشد لذا از لحاظ معنی داری مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که  $(0,81)$  از متغیر اجتناب از مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده در مدل قابل پیش‌بینی است. در بررسی معناداری ضرایب با توجه به جدول ۵ مشخص می‌شود که سطح معنی داری برای متغیر مالکیت نهادی برابر با  $(0,00)$  و از  $(0,05)$  کمتر می‌باشد، در نتیجه وجود ارتباط معنی داری بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات تایید می‌گردد. بنابر این فرضیه اول تایید می‌شود. مثبت بودن ضریب مالکیت نهادی  $(4,59)$  حاکی از آن است که ارتباط مستقیم با متغیر وابسته یعنی اجتناب از مالیات دارد. یعنی با افزایش یک واحدی مالکیت نهادی، اجتناب از مالیات به میزان  $(4,59)$  افزایش می‌یابد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معناداری دارد.



جدول ۶. نتیجه آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: محافظه کاری حسابداری					
عنوان متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری	نتیجه
جزء ثابت	۰,۲۹	۰,۱۳۸	۲,۱۲	۰,۰۳	
مالکیت نهادی	۰,۱۴	۰,۰۰۸	۱۶,۶۴	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
اندازه شرکت	۰,۰۹	۰,۰۲۸	۳,۴۲	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
اهرم مالی	۰,۰۶	۰,۰۱۴	۴,۵۳	۰,۰۰	مستقیم و معنادار
رشد شرکت	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۲	-۰,۵۹	۰,۵۴	بی معنی - عدم ارتباط
ضریب تعیین: ۰,۷۸	دوربین واتسون: ۱,۸۴		آماره F: ۶۹,۵۳		سطح اهمیت مدل: ۰,۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

باتوجه به جدول ۶ مشخص می شود کل مدل با توجه به اینکه مقدار سطح اهمیت مدل برابر (۰,۰۰) و کمتر از (۰,۰۵) می باشد لذا از لحاظ معنی داری مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که (۰,۷۸) از محافظه کاری حسابداری توسط متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده در مدل قابل پیش بینی است. در بررسی معنی داری ضرایب در جدول ۶ با توجه به آماره مشخص می شود که سطح معنی داری برای متغیر مالکیت نهادی برابر با (۰,۰۰) و از (۰,۰۵) کمتر می باشد، در نتیجه وجود ارتباط معنی داری بین مالکیت نهادی و محافظه کاری حسابداری تایید می گردد. بنابر این فرضیه دوم تایید می شود. مثبت بودن ضریب مالکیت نهادی (۰,۱۴) حاکی از آن است که ارتباط مستقیم با متغیر وابسته یعنی محافظه کاری حسابداری دارد. یعنی با افزایش یک واحدی مالکیت نهادی، محافظه کاری حسابداری به میزان (۰,۱۴) افزایش می یابد.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر به تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه کاری حسابداری طی بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۱ در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد که مالکیت نهادی، اجتناب از مالیات و محافظه کاری در حسابداری را افزایش می دهد. محافظه کاری منعکس کننده کیفیت و در نتیجه قابلیت اتکای صورت های مالی و نظارت مؤثر بر منافع شخصی مدیران است. دو چشم انداز کلی از مشارکت دولت در بازارهای مالی

وجود دارد و حضور آن‌ها در شرکت‌ها بر انگیزه‌های گزارشگری مالی نیز تأثیر می‌گذارد. دیدگاه اول نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که تحت فشار کنترل دولت است، بیشتر با شکل‌دهی سیاست‌هایی برای ماندن در قدرت و جمع‌آوری ثروت، دستکاری سود را تجربه می‌کنند. همچنین بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها به منظور ایجاد اشتغال و سایر مزایا، کنترل بنگاه‌های اقتصادی را در دست می‌گیرند (الکردی و همکاران، ۲۰۱۷). دیدگاه دیگری استدلال می‌کند که مزایای وجود دولت منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود، زیرا وقتی دولت مدیران را برای تصمیم‌گیری مؤثر تحت فشار قرار می‌دهد، منجر به افزایش سود و کیفیت درآمد می‌شود. اگر هدف دولت بهبود حاکمیت شرکت‌هایی باشد که مالکیت آن‌ها را عهده‌دار است، به منظور حمایت از وجود بازار کارآمد برای ورود سرمایه خارجی به کشور و کاهش هزینه سرمایه برای شرکت‌های داخلی، این امر بهبود می‌یابد. همچنین مشخص شده که مالکان نهادی باتوجه به نفوذ خود بر مدیران در راستای حداکثرسازی ثروت سهامداران استفاده از اجتناب مالیاتی را در دستور کار قرار می‌دهند و باتوجه به اینکه منافع سهامداران در اولویت قرار دارد و از طرفی با محافظه‌کاری در حسابداری امکان دستکاری صورت‌های مالی به حداقل می‌رسانند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود دولت با برگزاری سمینارهای مالیاتی به‌طور منظم، به‌ویژه در بین مدیران شرکت‌ها، میزان آگاهی مسائل مالیاتی را افزایش دهند و در مورد ضرورت پرداخت‌های مالیاتی برای توسعه کشور، آگاهی ایجاد نمایند. باتوجه به اینکه محافظه‌کاری می‌تواند به عنوان یک مکانیسم نظارتی احتیاطی دیگر برای نظارت بر سطح واقعی عملکرد شرکت‌ها و زمانی که مداخله لازم است، عمل کند، ناظران می‌توانند با تمرکز بر مولفه محافظه‌کاری در حسابداری به عنوان مکمل حاکمیت شرکتی در کاهش شفافیت و عدم تقارن اطلاعاتی شدید که شرکت‌ها را آزار می‌دهد، چارچوب نظارتی موجود را بهبود بخشند.

## فهرست منابع

- اسدیان اوغانی، اصغر؛ آبریز مختاری، یحیی؛ رحمانی نوجه ده، حسین (۱۳۹۹). تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳۴)، ۱۲۷-۱۴۲.
- الهامی، مهسا، وکیلی فرد، حمیدرضا، & طالب نیا، قدرت الله. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر راهبری شرکتی، رقابت پذیری و محافظه کاری مدیریتی بر قیمت گذاری توزیع اطلاعات. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۴۸)، ۳۶۳-۳۸۸.
- حسینی، سید احسان؛ هاشمی، سید عباس؛ امیری، هادی. (۱۳۹۹). بررسی عملکرد راهبرد معاملاتی اقلام تعهدی، راهبرد مدیریت مالی، ۸(۳)، ۲۱-۴۱.
- جلالی، فاطمه؛ هشی، عباس؛ دانشی، وحید؛ کامرانی، هدی (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۱۳۳-۱۴۶.
- خوشکار، فرزین؛ مولایی، حوریه؛ کریمی، آرزو (۱۴۰۰). نقش تعدیلگر مالکیت نهادی و مدیریتی بر تاثیر محافظه کاری حسابداری بر ریزش قیمت سهام، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۸۳)، ۵۲۹-۵۴۶.
- دارابی، رؤیا؛ برزگر، سعید (۱۳۹۷). تاثیر اجتناب از مالیات بر رابطه بین مالکیت دولتی و محدودیت مالی شرکت ها، نشریه حسابداری دولتی، ۵(۱)، ۵۵-۶۸.
- دستگیر، محسن؛ کاکائی سبزه خانی، مهتاب؛ علیپور، رامین (۱۳۹۹). تاثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۴۵)، ۵۹-۸۹.
- عباس زاده، محمدرضا؛ مفتونیان، محسن؛ فدایی، مرتضی؛ بابایی کلاریجانی، مائده (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت ها در مراحل چرخه عمر، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، ۱۰(۲)، ۴۹-۸۱.
- Abu Alkhair, M.T. (2008), The contemporary perspective of the conservatism on the application of accounting traded on the Egyptian stock market. Scientific Journal for Trade and Finance, Faculty of Commerce, Tanta University, 1, 55-69.
- Alkordi, A. , Al-nimer, M. & Dabaghia, M. (2017). Accounting Conservatism and Ownership Structure Effect: Evidence from Industrial and Financial Jordanian Listed Companies . International Journal of Economics and Financial Issues , 7 (2) , 608-619 . Retrieved from <https://dergipark.org.tr/en/pub/ijefi/issue/32035/354535?publisher=http-www-cag-edu-tr-ilhan-ozturk>
- Ardillah, K., & Halim, Y. (2022). The Effect of Institutional Ownership, Fiscal Loss Compensation, and Accounting Conservatism on Tax Avoidance. Journal of Accounting Auditing and Business, 5(1), 1-15.
- Armstrong, C.S., Core, J.E., Guay, W.R. (2014), Do independent directors cause improvements in firm transparency? Journal of Financial Economics, 113, 383-403

- Asiri, M., Al-Hadi, A., Taylor, G., & Duong, L. (2020). Is corporate tax avoidance associated with investment efficiency?. *The North American Journal of Economics and Finance*, 52, 101143.
- Asiriuwa, O., Akperi, R. T., Uwuigbe, O. R., Uwuigbe, U., Nassar, L., Ilogho, S., & Eriabe, S. (2019). Ownerships Structures and Accounting Conservatism among Nigeria Listed Firms. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 331(1), 012056. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/331/1/012056>
- Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. *The Accounting Review*, 94(1), 45–69. <https://doi.org/10.2308/accr-52130>.
- Ball, R., Kothari, S., Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 129(1), 1-51.
- Ball, R., Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research*, 44(2), 207-242.
- Bataghva, H., & Garkaz, M. (2015). The relationship between accounting conservatism, institutional investors and profit misprice in pharmaceutical companies listed in the Terhan stock exchange. *International Journal of Basic Sciences and Natural Research*, 390-395.
- Boone, A., and J. White. 2015. The effect of institutional ownership on firm transparency and information production. *Journal of Financial Economics*, 117: 508–533 .
- Bushee, B. 2001. Do institutional investors prefer near-term earnings over long-run value? *Contemporary Accounting Research* 18 (2): 207–246.
- Cao, Y., Dong, Y., Ma, D., & Sun, L. (2021). Customer concentration and corporate risk-taking. *Journal of Financial Stability*, 54, 100890.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41–61. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2009.02.003>.
- Cheng, C. S. A., Huang, H., Li, Y., & Stanfield, J. (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 87(5), 1493–1526. <https://doi.org/10.2308/accr-50195>.
- Graham, J.R., Harvey, C.R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3-73.
- Haider, I., Singh, H., & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 17(1), 100242. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jcae.2020.100242>
- Hanlon, M., and S. Heitzman. 2010. A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics* 50, 127–178.
- Hasan, M. M., Lobo, G. J., & Qiu, B. (2021). Organizational capital, corporate tax avoidance, and firm value. *Journal of Corporate Finance*, 70, 102050. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2021.102050>
- Hasan, I., Kim, I., Teng, H., & Wu, Q. (2022). The effect of foreign institutional ownership on corporate tax avoidance: International evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 100440.
- Ikbāl, O., Al-Qdau, M. (2014), The impact of the financial crisis to support the accounting conservatism policy: A study in the Jordanian industrial corporations. *An-Najah University Journal for Research*, 4, 896-920.
- Jung, K., & Kwon, S. Y. (2002). Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea. *The International Journal of Accounting*, 37(3), 301-325.

- Khan, M., Srinivasan, S., & Tan, L. (2017). Institutional ownership and corporate tax avoidance: New evidence. *The Accounting Review*, **92**(2), 101-122.
- Khurana, .. , & Moe, W. .. 2013.. Institutional hlaechodt'' nremmt hooons and tax avoidance. *The Journal of the American Taxation Association*, **35** (1), 111-134. <https://doi.org/10.2308/atax-50315>.
- Kim, J. B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, **100**(3), 639-662. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2010.07.007>.
- LaFond, R., Watts, R. (2008), The information role of conservatism. *The Accounting Review*, **83**, 447-478.
- Lara, J. M. G., Osma, B. G., & Penalva, F. (2012). Accounting conservatism and the limits to earnings management. 1- 55.
- Lara, J.M.G., Osma, B.G., Penalva, F. (2009), Accounting conservatism and corporate governance. *Review of Accounting Studies*, **14**(1), 161-201.
- Lin, F., Wu, C. M., Fang, T. Y., & Wun, J. C. (2014). The relations among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation. *Economic Modelling*, **37**, 164-174.
- Monks, R., and N. Minnow. 1995. *Corporate Governance*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Pope, F.P., Wailker, M. (2003), Ex-ante and Ex-post Accounting Conservatism, Asset Recognition and Asymmetric Earnings, Timeliness, Working Paper, University of Manchester.
- Rashidi, M.M.S. (2011), Evaluated the accounting conservatism from a user perspective: The study of the theory and field. *Business Research Journal Contemporary*, **25**(2), 1-62.
- Rustiarini, N. W., Gama, A. W. S., & Werastuti, D. N. S. (2021). Board of Director Characteristics, Institutional Ownership, and Accounting Conservatism. *The Indonesian Journal of Accounting Research*, **24**(2), 289-320.
- Saa aa .. , , , , , , , , , , . . . . Salami, S. (2023). Accounting Conservatism and Corporate Tax Avoidance. *International Journal of Banking and Finance*, **18**(1), 51-66.
- Shackelford, D., and T. Shevlin. 2001. Empirical tax research in accounting. *Journal of Accounting and Economics* **31**, 321-387.
- Shaw, T. S., Raithatha, M., Krishnan, G. V., & Cordeiro, J. J. (2021). Did mandatory CSR compliance impact accounting conservatism? Evidence from the Indian Companies Act 2013. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, **17**(3), 100280.
- Yu, K. (2013). Block ownership and accounting conservatism. *Corporate Ownership & Control*, **10**, 272-293.
- Watts, R.L. (2003), Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities. *Accounting Horizons*, **17**(4), 287-301.